

بهشت

جای عالمان عامل

بهشت اخروی و ابدی دارای نام‌هایی است که بیانگر شرایط زندگی انسان در آن است.از الجنة گرفته تا عدن و فردوس تا دارالمقامه هر یک شرایطی را بیان می‌کند که انسان در آن بهشت اخروی از آنها بهره‌مند می‌شود. از نظر قرآن، وارثان کتاب در برابر کتاب الهی سه گونه واکنش نشان داده‌اند که می‌توان از آنها به اصحاب شمال و مشتمه، اصحاب یمن و میمنه و سابقون مقربون یاد کرد. بر این اساس می‌توان سه گانه ظالم، معتدل و سبقت‌جوی در خیرات را به عنوان گروه‌های اساسی شناسایی کرد. البته دو گروه اخیر اهل بهشت هستند؛ زیرا واکنش منفی همچون اصحاب شمال یا ظالمین نداشته، بلکه واکنش مثبتی نشان داده‌اند، هر چند که این واکنش در یک سطح نیست، بلکه از نظر ایمان و تقوا متفاوت است؛ از همین رو اهل بهشت با آنکه به عنوان اهل بهشت شناخته می‌شوند، اما تفاوت‌هایی در بهشت‌های آنان است؛ زیرا بهشت هر کسی چیزی جز سازه خود او نیست و هر کسی در بهشتی وارد می‌شود که ظهور شخصیت و ملکات و مقومات اوست.

انسان در دنیا با سرمایه‌ای که خدا به او داده و آن عمر اوست تجارت می‌کند. بسیاری از مردم به جای آنکه با سرمایه خدادادی با خدا معامله کنند، با شیطان معامله می‌کنند. این‌گونه است که سرمایه عمر را به دست می‌دهند و گرفتار خسران از سرمایه می‌شوند؛ یعنی در عصر کوتاه عمر خویش در دنیا که نشئهای از نشئات هستی آنان است، واقعا عصاره آنان کشیده می‌شود و در کوره فتنه‌های دنیا ذوب می‌شوند و سره و ناسره آنان جدا می‌گردد. در این راستا بسیاری از مردم در این کوره فتنه عصر دنیا وقتی عصاره گیری می‌شوند، چیزی جز هوای نفسانی و باطل از خود به جا نمی‌گذارند که آنان را به سوی «جاهلیه» سقوط می‌برد و در چاه ویل دوزخ می‌افتند و در درکات آن، جا می‌گیرند؛ زیرا سرمایه‌ها از دست رفته و هیچ را با خود دارند؛ از همین رو به هنگام محاسبه در آخرت، ترازوی آنان سبک است و هیچ وزانتی ندارد.

از نظر قرآن، عمل صالح باید با ایمان همراه باشد تا ارزشی باشد؛ زیرا ایمان بدون عمل صالح و عمل صالح بدون ایمان سودی ندارد از همین رو در همه آیات قرآن، ایمان و عمل صالح با هم مطرح می‌شود تا رهایی‌بخش از خسران ابدی باشد.

ضرورت تلازم ایمان، عمل صالح و معرفت

از نظر قرآن، عمل صالح باید با ایمان همراه باشد تا ارزشی باشد؛ زیرا ایمان بدون عمل صالح و عمل صالح بدون ایمان سودی ندارد؛ از همین رو در همه آیات قرآن، ایمان و عمل صالح با هم مطرح می‌شود تا رهایی‌بخش از خسران ابدی باشد(عصر، آیات ۱ تا ۳)

اگر این ایمان و عمل صالح، با علم و معرفت کامل و تمام، آمیخته باشد، بسیار مفیدتر و سازنده‌تر است؛ زیرا انسان بر اساس معرفت و علم، از درجات اخروی بهشت بهره‌مند می‌شود؛ اگر ایمان و عمل صالح بدون علم دارای یک درجه باشد، همین امر با علم دارای درجات بالاتر خواهد بود.(الانعام، آیه ۱۲۲؛ احقاف، آیه ۱۹؛ مجادله، آیه ۱۱)

البته اکثریت مردم مؤمن صالح و محسن از درجات بهره‌مند می‌شوند اما برخی دیگر خودشان درجات می‌شود، یعنی معیار سنجش قرار می‌گیرند که اینها گروه اندکی از محسنان هستند. از همین رو قرآن گاه می‌گوید لهم درجات عند ربهم(انفال، آیه ۲) و گاه دیگر می‌فرماید: هم درجات عندالله. در حقیقت فرق این دو گروه همانند فرق میان ابرار و اصحاب یمن با مقربان سابقون است؛ زیرا اگر گروه اول، وارد بهشت می‌شوند، گروه دوم خودشان بهشت هستند؛ فاما ان کان من المقربین فروح و ربحان و جنه تعیم(واقعہ، آیه ۸۹) از نظر قرآن، ایمان و تقوا و عمل صالح به هم کمک می‌کند تا شرایط، روز به روز بهتر شود و شخصیت به کمال خویش نزدیک شود. تقوا علمی را موجب می‌شود که علم الهی و از مصادیق علم الیقین است. (بقره، آیه ۲۸۲) عمل مطابق علم الیقین موجب افزایش و تشدید ایمان و تقوا می‌شود و برآیند آن نیز عین الیقین و حق الیقین می‌شود.(تاکثر، آیات ۵ تا ۱۷؛ واقعہ، آیه ۹۵) علت این امر آن است که مؤمنان اهل علم در برابر عظمت الهی خشیت می‌ورزند.(فاطر، آیه ۲۸) عالمان اهل خشیت از خدا اهل تلاوت کتابالله و اقامه نماز و انفاق از رزق الهی آشکار و نهان هستند. آنان امید به تجارتی دارند که هلاک و زیان و زوال در آن راه ندارد. خدا نیز این امید ایشان را به ناامیدی تبدیل نمی‌کند، بلکه در مقام شکر عملی از فضل خویش به آن می‌افزاید؛ این‌گونه است که عالمان علم به کتاب الله با سبقت جویی در هر کار خیر خود را به بهشت «عدن» می‌رسانند و از همه کسانی که در این بهشت عدن وارد می‌شود، از همه حزن و اندوه نسبت به گذشته و رخداها و مصیبت تلخ گذشته رها می‌شود و چیزی از آن در دل ندارد؛ و خدای غفور شکور به حکم فضل شکرتا به خویشتن آنان را از دارالمقامه (بهشت جاودانه) جای می‌دهد تا از هر گونه شقاوت ظاهری و باطنی و بدنی و روانی رها شوند یا آنکه دیگر رنج روحی داشته یا خستگی بدنی ببینند.(فاطر، آیات ۳۴ تا ۳۵) این در حالی است که دوزخیان در شرایطی قرار می‌گیرند که نه مرگ است نه زندگی (علی، آیه ۱۴) و در این شرایط سخت و رنج آور که تخفیفی از عذاب نیست، از مالک دوزخ خواهان مرگ خویش هستند و از دور به مالک دوزخ ندا می‌دهندای مالک، باید پروردگارت ما را بمیراند تا از این رنج رها شویم.(زخرف، آیه ۷۷) در حالی که جواب نفی داده می‌شود که شما در این‌جا ماندگار هستید.(همان) از همین رو خدا در جایی دیگر می‌فرماید: بایقینی علمیه قیموثوا؛ فرمان مرگشان صادر نمی‌شود تا بمیرند و راحت شوند.(فاطر، آیه ۳۶)

حسن مرتضوی

غذای جسم و غذای روح

علم و فکر، غذای روح است. آدمی باید به همان اندازه که درباره معاش خود فکر می‌کند درباره غذای روح خود نیز بیندیشد و همان مقدار مراقبتی که در غذاهای جسمی لازم و ضروری است، در غذاهای روحی نیز لازم و ضروری است. علی(ع) می‌فرماید: چرا مردم اگر در شب تار یک آنها را بر سر سفره‌ای بنشانند، تا چراغ را روشن نکنند دست به غذا دراز نمی‌کنند و اما اگر بر سر سفره فکری بنشینند هیچ در اندیشه نمی‌شوند که چراغ عقل را روشن کنند تا با چشم بصیرت ببینند این غذای روحی که وارد روحشان می‌شود چه نوع غذایی است؟

همان‌طوری که غذاهای جسمانی بعضی مقوی و بعضی ضعف‌آور است، بعضی نشاط‌انگیز و بعضی سستی آور و بی‌حال کننده است، بعضی موجب سلامت و بعضی مسوم کننده است. غذاهای فکری نیز همین‌طور است. امام حسن مجتبی(ع) فرمود: عجباً که برخی از مردم درباره ماگوالات خود می‌اندیشند که مثلاً غذای مسوم نخورند و اگر کسی غذای مسوم به خود آید پندهند او را تحت تعقیب قرار می‌دهند اما درباره افکار و معلومات و معقولاتی که به مغز خود می‌فرمایند: بایقینی علمیه نمی‌اندیشند و توجه ندارند، چه بسا، کسانی که تا زنده‌اند نسبت به آن شخص مسوم‌کننده علاقه‌مندند و به او ارادت می‌ورزند. عجیبت‌ر و مهم‌تر این است که فکر مسوم و خطرناکی رنگ دینی و صبغه مذهبی هم داشته باشد؛ دیگر خطر صواب‌مهر مهم‌تر خواهد بود. در تاریخ گذشته ما متأسفانه چقدر زیاد، افکار مسومی با رنگ و شکل بدینی و فرار بارز شده و خیرباد از یاد پیدا کرده و کمتر کسی هم متوجه شده که این متاع تقلبی است. آیا یاور می‌کند که این روحیه تنبل و جامد و سسرد و خشک ما (در جوامع اسلامی) معلول همان متاع‌های تقلبی روحی است؟! مجموعه آثار استاد شهید مطهری (مکته‌ها و تائثرها) (۱ و ۲) ج۲، صص: ۱۹۶–۱۹۴

پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله) در آخرین روزهای ماه شعبان با ایراد خطبه‌ای مهم که به خطبه شعبانیه معروف است، برخی آداب روزهداری و وظایف روزه‌داران در ماه مبارک رمضان را بیان کردند که در ادامه از نظر خوانندگان عزیز می‌گذرد.

ای مردم! ماه خدا با برکت و رحمت و آموزش به سوی شما روکرده است. ماهی که نزد خدا، بهترین ماه‌هاست و روزهایش بهترین روزها و شب‌هایش بهترین شب‌ها و ساعت‌هایش بهترین ساعت‌هاست؛ ماهی که در آن شما را به مهمانی خدا دعوت کرده‌اند و شما در آن اهل کرامت خدا شده‌اید. نفس‌های شما در آن ثواب تسبیح و ذکر خدا دارد و خواب شما ثواب عبادت، اعمال شما در آن پذیرفته است و دعاهای شما مستجاب؛ پس، از پروردگار خویش با نیت‌های راستین و دل‌های پاک،

هر که در این ماه بسیار بر من صلوات فرستد، خداوند کفه سبک اعمال او را سنگین گرداند و کسی که در این ماه یک آیه از قرآن تلاوت کند ثواب کسری را دارد که در ماه‌های دیگر قرآن را ختم کرده باشد.

شعبه: براساس آیه ۲۳ مائده منظور از محاربه چیست؟ ارتباط معنایی محاربه با «افساد فی الارض» و تروریسم چیست؟ معیار صدق محاربه در اقدامات ضدامنیتی چیست؟

پاسخ: آیه ۳۳ از سوره مائده به دلیل بیان حکم محاربه با خدا و پیامبر(ص) به «آیه محاربه» معروف شده است: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَ رُسُلَهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكُمْ لَهُمْ جَزَاءُ فِي الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»؛(۱) کفر آنها که با خدا و پیامبرش به جنگ برمی‌خیزند و اقدام به فساد در روی زمین می‌کنند (و با تهدید اسلحه، به جان و مال و ناموس مردم حمله می‌برند)، فقط این است که اعدام شوند؛ یا به دار آویخته گردند؛ یا (چهار انگشت از) دست (راست) و پای (چپ) آنها، به عکس یکدیگر، بریده شود؛ و یا از سرزمین خود تبعید شوند.

تحقق خارجی افساد در زمین و عملی کردن تجاوز و قتل و غارت از سوی شخص محارب، در شمول حد محارب شرط نیست، بلکه نفس سلاح کشیدن به قصد ایجاد فساد و تجاوز کافی است.

این رسوایی آنها در دنیااست؛ و در آخرت، مجازات عظیمی دارند.(۲)

در ارتباط با موضوع محاربه، پرسش‌های متعددی (از قبیل: معنای محاربه، شأن نزول آیه، ارتباط معنایی محاربه با افساد فی الارض، ارتباط محاربه با تروریسم و…) مطرح است که به تناسب ظرفیت این نوشتار کوتاه، به پاسخ آن پرداخته می‌شود.

معتناسی محاربه

کلمه «محاربه» از ماده «حرب» گرفته شده و تبقیض کلمه «سِلِم» (صلح) است. محاربه در اصل به معنای سلب و گرفتن است و «حُرب العربیّ مالَه» به معنای «شَلَبُ الرجلِ مالَه» است، یعنی «مال آن مرد را از او گرفت»؛ چنین کسی را «مُحروب» و «حریب» می‌گویند. اطلاق واژه حرب بر کسی که برای جنگیدن یا ترسانیدن دیگران سلاح کشیده باشد، به این اعتبار است که او می‌خواهد جان یا مال یا قدرت یا ملک دیگری را از او بگیرد.(۳) محاربه به معنای سلب و ربودن است و دربراره قوانین الهی، نادیده گرفتن و زیر پا گذاشتن آنهاست که هم مصیبت فقهی است و هم حکم خاص کلامی دارد. آیه مورد بحث ناظر به محارباتی است که افزون بر زیر پا گذاشتن قانون الهی، امنیت اجتماعی را نیز بر هم می‌زنند و رعب و وحشت و خونریزی ایجاد می‌کنند.(۴) در آیه مبارکه، دو قصد «محاربه اله و الرسول» و «الافساد فی الارض» آمده است که درباره هر یک باید به بحث پرداخت.

افاضه شدن لفظ محاربه به «الله» و «الرسول» در آیه مبارکه، قرینه‌ای است بر اینکه معنای حقیقی این کلمه مراد نیست، زیرا محاربه به معنای حقیقی آن، با خدا ممکن نیست و با رسول اگرچه ممکن است اما قطعاً در این‌جا مراد نیست، زیرا خصوص کسانی که با شخص پیامبر می‌جنگند، مقصود آیه نیست، چه در این صورت آیه اختصاص داشت به زمان حیات پیامبر، در حالی که کسانی که با پیامبر می‌جنگیدند فقط کافران زمان او بودند و چنان که خواهد آمد، کافران زمان پیامبر قطعاً از مدلول این آیه بیرون هستند.

بلکه نفس اضافه شدن لفظ محاربه به خدا و رسول با هم، خود قرینه‌ای است بر اینکه مراد از آن، معنای گسترده‌تری از جنگ مستقیم و شخصی است و این معنا نیز در این دو امر است: ۱- مراد از محاربه، هرگونه عصبان و مخالفت با حکم خدا و رسول است و بر این اساس، استعمال لفظ محاربه در مطلق عیان و مخالفت با امر و نهی شارع، از قبیل مجاز در کلمه است.(۵) ۲- مراد از محاربه با خدا و رسول، محاربه با مسلمانان است ولی به منظور بزرگ جلوه‌دادن آن، توجه‌دادن به اهمیت امت اسلامی و اینکه جنگ با امت اسلام به منزله جنگ با خدا و رسول است، لفظ محاربه در آیه، به خدا و رسول اضافه

معارف

MaarefKayhan@Kayhan.ir

مروری بر خطبه شعبانیه پیامبر اسلام(ص)

وظایف و آداب در ماه مبارک رمضان

هر که اخلاق خود را در این ماه نیکو کند، از صراط آسان بگذرد، آن روز که قدم‌ها بر آن بلغزد و هر که در این ماه کارهای غلامان و مستخدمان خود را سبک گرداند، خدا در قیامت حساب او را آسان کند.

زیرا که وقت نماز، بهترین ساعت‌هاست و در این اوقات، به شما عنایت فرماید. شقی و بدبخت، کسی است که مناجات نکند، پاسخ‌شان دهد و چنانچه او را ندا دهند لبیک‌شان گوید و اگر از او بخواهند عطا کند و چون او قیامت را به یاد آورد.

به فقیران و درماندگان کمک و تصدق کنید. به پیران و کهنسالان احترام و ارج بنهید. به کودکانان ملاطفت و مهربانی کنید. با خویشان‌ودانان ارتباط داشته باشید. زبان خود را از گفتار ناشایست نگاه دارید. دیدگان خود را از دیدن ناروا و حرام پبوشانید و گوش‌های خود را از شنیدن آنچه نادرست است، بازدارید. با یتیمان مردم مهربانی کنید تا بعد از شما با یتیمان شما مهربانی کنند.

از گناهان خود به سوی خدا توبه و بازگشت کنید. در اوقات نماز، دست‌های خود را به دعا بردارید؛

شبیه ها و پاسخ ها

چیستی محاربه وارتباط آن با اقدامات ضدامنیتی

هادی فیروزی



شده است؛ زیرا امت اسلام منتسب به خدا و پیامبر و تحت ولایت آنهاست. چنین معنایی به منزله مجاز در اسناد است.(۲) به نظر می‌رسد احتمال دوم ترجیح داشته باشد و پذیرفتن مجاز اسنادی در این‌جا روان‌تر و رساتر باشد؛ زیرا منتسب کردن امت اسلام به خدا و رسول و محاربه با آن را محاربه با خدا و رسول دانستن، بیانگر نکته عرفی روشن و رسایی است. بر این اساس، باید پذیرفت که هرگونه محاربه‌ای با مسلمانان در این‌معنای مجازی لحاظ شده است.

بنابراین، منظور از «محاربه با خدا و پیامبر» آنچنان که در احادیث اهل‌بیت وارد شده و شأن نزول آیه نیز کم و بیش به آن گواهی می‌دهد

آیه ۳۳ سوره مائده، به آیه محاربه نامیده شده است که مشتمل بر حکم محاربان با خدا و پیامبر(ص) است. منظور از «محاربه با خدا و پیامبر» آنچنان‌که در احادیث اهل‌بیت وارد شده و شأن نزول آیه نیز کمک می‌کند، این است که کسی با تهدید به اسلحه به جان یا مال مردم تجاوز کند و امنیت و آسایش آنان را به مخاطره اندازد.

این است که: کسی با تهدید به اسلحه، به جان یا مال مردم تجاوز کند، اعم از اینکه به صورت زردان گرده‌ها در بیرون شهرها چنین کاری کند و یا در داخل شهر. لذا افراد چاقو‌کشی که حمله به جان و مال و نوامیس مردم می‌کنند نیز شمول آن هستند. ضمناً جالب توجه است که محاربه و ستیز با بندگان خدا در این آیه به عنوان محاربه با خدا معرفی شده و این تاکید فوق‌العاده اسلام را درباره حقوق انسان‌ها و رعایت امنیت آنان ثابت می‌کند.(۴)

۱. گاهی کافران با مسلمانان می‌جنگند؛

۲. گاهی گروهی از خود مسلمانان علیه حکومت اسلامی قیام می‌کنند و با آن می‌جنگند؛ ۳. گاهی گروهی از مسلمانان به قصد ایجاد ناشی و ارباب و غارت و خونریزی، با گروهی دیگر از ایشان به جنگ می‌پردازند. هر قسم از این محاربه‌ها را می‌توان مجازاً محاربه با خدا و رسول به شمار آورد و در نتیجه مصداق آیه کریمه دانست، اما با توجه به قرائن متعدد، بدون شک محاربه کافران با مسلمانان، مراد آیه نیست. روشن‌ترین این قرینه‌ها، استثنایی است که در آیه بعد آمده است «إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْرَأُوا عَلَيْهِمْ»(۵) ظاهر این آیه آن است که مراد از توبه، توبه از محاربه

صفحه ۶

پنجشنبه ۳۰ بهمن ۱۴۰۴

اول رمضان ۱۴۴۷ – شماره ۲۴۰۸۲

در این ماه رابطه‌اش را با خویشان قطع کند، خداوند در قیامت رحمت خود را از او دریغ نماید. هر که در این ماه نماز مستحبی بپا دارد، خداوند او را از آتش جهنم برهاند و کسی که نماز واجبی به‌جا آورد، خداوند ثواب هفتاد نماز واجب در ماه‌های دیگر را به او عطا کند. هرکه در این ماه بسیار بر من صلوات فرستد، خداوند کفه سبک اعمال او را سنگین گرداند. کسی که در این ماه یک آیه از قرآن تلاوت کند، ثواب کسی را دارد که در ماه‌های دیگر قرآن را ختم کرده باشد.

ای مردم! درهای بهشت در این ماه گشوده است، از پروردگار خود بخواهید که آنها را بر روی شما نبیند و درهای جهنم در این ماه بسته است، از خدا بخواهید که آنها را بر روی شما نگشاید. شیاطین در این ماه در غل و زنجیرند. از خدا بخواهید که آنها را بر شما مسلط نگرداند.

هر که از شما روزه‌دار مؤمنی را در این ماه افطار دهد، نزد خدا پاداش بنده آزاد کردن و آموزش گناهان گذشته‌اش را خواهد داشت. برخی از اصحاب گفتند: یا رسول‌الله! همه ما قادر به انجام آن نیستیم. حضرت فرمود: با افطار دادن روزه‌داران، از آتش جهنم پیره‌یزید، اگر چه به نصف دانه خرما و یا یک جرعه آب باشد.

علی(ع) می‌فرماید: در این حال از جا برخاسته و عرض کردم، ای پیامبر خدا! برترین اعمال در این ماه چیست؟ حضرت فرمود: ای ابوالحسن! برترین اعمال در این ماه پرهیز از محرمات است.

وسایل‌الشعیه، کتاب روزه: بحارالانوار ج ۹۶، ص ۱۵۷

عنوان محاربه و افساد فی الارض هر دو با هم موضوع حکم هستند و محاربه اعم از تروریسم است و ترور بسم محاربه محسوب می‌شود و معیار صدق محاربه متوقف بر دو امر است: یک: اخلا در امنیت محل زندگی انسان؛ دو: منشأ اخلا، ظلم و تجاوز باشد.

بودن»، نه اخلا در صفتی از صفات مربوط به انسان یا جامعه؛ مثلاً ترویج عقاید باطل یا مجبور کردن مردم به پذیرفتن این عقاید، یا خودی خود، مصداق افساد در زمین نیست. اگرچه مصداق فساد انسان و جوامع انسانی باشد.

۲-اینکه اخلا در خصوصیت یاد شده ناشی از ظلم و تجاوز به دیگران باشد، نه اینکه اس‌ها به اختیار و میل خود کارهایی انجام دهند که موجب اخلا در زندگی و استقرارشان در زمین شود؛ مثلاً اگر مرتکب کارهایی شوند که به‌تدریج موجب ضعف و نابودی‌شان شود، این‌گونه کارها، مصداق افساد در زمین نیست، هر چند نتیجه آنها با افساد یکی است.

آنچه که ادعای اختصاص فساد به موارد ظلم و تجاوز را تقویت می‌کند، این است که می‌بینیم در دیگر آیات کریمه نیز ترکیب «فساد فی الارض» فقط در موارد تجاوز به مال و جان و مانند آن، استعمال شده است نه در موارد ارتکاب سایر گناهان کبیره، حتی در مورد گناهانی مثل کفر و شرک به خدا.(۳)

نتیجه

آیه ۳۳ سوره مائده، به آیه محاربه نامیده شده است که مشتمل بر حکم محاربان با خدا و پیامبر(ص) است. منظور از «محاربه با خدا و پیامبر» آنچنان‌که در احادیث اهل‌بیت وارد شده و شأن نزول آیه نیز کمک می‌کند، این است که کسی با تهدید به اسلحه به جان یا مال مردم تجاوز کند و امنیت و آسایش آنان را به مخاطره اندازد.

محاربه و ستیز با بندگان خدا در این آیه به عنوان محاربه با خدا معرفی شده و این تاکید فوق‌العاده اسلام را درباره حقوق انسان‌ها و رعایت امنیت آنان ثابت می‌کند.

و هدف محاربه نظر دارد. بنابراین، تعبیر مذکور برای بیان حد و مرز و جهت محاربه و اینکه محاربه مورد نظر در واقع آیه، سلاح کشیدن به قصد ایجاد فساد در زمین است.

این برداشت از آیه، با روایاتی که در تفسیر آیه آمده و با فهم فقها از آیه که موضوع حد مذکور را «کشیدن سلاح برای ترساندن مردم و قصد افساد در زمین» دانسته‌اند، مطابقت دارد، روشن است که سلاح کشیدن از جمله اول «یحاربون الله» به‌دست می‌آید و قصد افساد در زمین، از جمله دوم «وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا».

تحقق خارجی افساد در زمین و عملی کردن تجاوز و قتل و غارت از سوی شخص محارب، در شمول حد محارب شرط نیست، بلکه نفس سلاح کشیدن به قصد ایجاد فساد و تجاوز کافی است. شاید براساس همین برداشت از آیه است که تمامی فقه‌ای شیعه و سنی، عنوان محاربه به قصد افساد از موضوع این حد قرار داده‌اند، نه عنوان مفسد فی الارض را.(۴)

محاربه و تروریسم

محاربه اعم از ترور و تروریسم است و دایره وسیعی از جرائم را دربر می‌گیرد و جرم ترور و اقدام تروریستی را نیز دربر می‌گیرد و رابطه بین آنها عموم و خصوص مطلق است. البته با توجه به مطالبی که در بحث ارتباط بین الفتن و محاربه مطرح شد می‌توان با استناد به آیه ۳۳ سوره مائده، افساد فی الارض را به معنای مطلق تلاش برای ایجاد فساد و برهم زدن نظم عمومی دانست و هر اقدامی در این راستا، چون انواع اقدامات تروریستی در هر شکلی، وارد در قیامت حکم افساد فی الارض است.(۵) **معیار صدق محاربه در اقدامات ضدامنیتی** صدق محاربه متوقف بر دو امر است: ۱- اینکه جرم انجام شده، اخلا در صفت به‌خصوصی باشد که زمین دارد و آن عبارت است از «محل سکونت و استقرار و آسایش انسان